

- پنجشنبه ۵ خرداد ماه ۱۴۰۱**
- سال دوازدهم - شماره ۲۳۰۷**

وقتی معضل اعتیاد وموادفروشی آزمون قانون شناسی مدیران می شود

سپهرغرب، گروه اجتماعی – عباس سریشی؛ سؤال این است که در صورت بروز هر مسئله بحرانی مسئولان ما طرف چه کسی را خواهند گرفت؛ معناد و موادفروش یا مردمی که متأثر از سوءمدیریت آن‌ها کارد به استخوانشان رسیده است؟

فارغ از همه شعارها و سخنرانی‌ها و یا حتی برخی اقدامات سلبی و ایجابی اما واقع امر این است که در بحث برخورد و مقابله با اعتیاد بسیاری از مردم دیگر اعتماد و امید چندانی به عملکرد مسئولان ندارند.

هرچند آسیب‌های اجتماعی (در هر نوع و شکل) خاصه تمامی جوامع انسانی محسوب و ملت‌ها و دولت‌ها را با شدت و ضعف‌های گوناگون با خود درگیر می‌کنند با این حال اما این یک حقیقت غیر قابل انکار است که متأثر از برخی علل امروزه انواعی از آسیب‌های اجتماعی در کشور ما دیگر رسماً وارد مرز بحران نشده‌اند.

و البته این نیز در حالی است که ارگان‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی بسیاری، با صرف هزینه‌ها و اعتبارات مالی و حتی انسانی بی‌شمار، مسئول پیشگیری، درمان و رفع آن‌ها هستند اما با این وجود مشخص نیست که چرا تاکنون هیچ‌کدام نتوانسته‌اند ضمن ارائه راهکاری مناسب، تسخ‌های شفاف‌بخش برای این بیماری‌ها بیابند.

ازمنظر کارشناسان و صاحب‌نظران ماهیت علی و معلولی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی موجود در جوامع به‌گونه‌ای است که عموماً یا در توالی هم قرار دارند و یا با یکدیگر در حال هم‌پوشانی هستند و به‌اصطلاح از یک آبشخور سرچشمه می‌گیرند؛ بنابراین می‌توان با درمان یکی، تا حدود بسیار زیادی به رفع و یا حذف دیگر آسیب‌ها اقدام کرد.

حال چرا برخلاف وجود متولیان بسیار و هزینه‌کرده‌های بالا این خواسته محقق نمی‌شود شاید مهم‌ترین دلایل آن را باید در موضوعاتی

چون؛

–حضور دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و مؤسسات متعددی با دستورالعمل‌ها، سلاایق و راهکارهای سلیقه‌ای، انفرادی، غیر همگرا و موازی‌کار به‌عنوان متولی پیگیری کاهش آسیب‌های اجتماعی و مبارزه با آن‌ها و به تعبیر دیگر پراکندگی مسئولیت‌ها در کاهش آسیب‌های اجتماعی

–عدم انجام کامل وظایف از سوی دستگاه‌های

متولی

–عدم تصویب قوانین جدید و به‌روز شده مبتنی بر مجازات‌های بازدارنده و مؤثر در حوزه سلبی و ایجابی

–فقدان کارشناسان و کمبود نیروی انسانی متخصص در امر مددکاری؛ پیشگیری و درمان –عدم ارائه برنامه و راهکار مطلوب از سوی معاونت پیشگیری از جرم که چند سالی است در قوه قضائیه راه‌اندازی شده

کم‌توجهی به امر پیشگیری از جرم و آسیب اجتماعی و بزه برای کاهش مشکلات به‌عنوان راهکاری مؤثر، زودبازده و کم‌هزینه

بی‌توجهی به تأثیر فعالیت‌های فرهنگی و تکیه صرف به اقدامات عملیاتی، اجرایی، انتظامی و قضائی و… جست‌وجو کرد که باعث می‌شود نتوان در این زمینه افق امیدوارکننده‌ای را شاهد

بود.

البته برخی دیگر از صاحب‌نظران با تأیید موضوعات پیش گفته بر این نکته نیز تأکید دارند که در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی و روند نزولی آن‌ها باید به دلایل و مؤلفه‌های مشخص نمی‌شود و صداالبته در گام بعدی نیز هر آسیب به‌دنبال چرایی ایجاد و افزایش آن‌ها بود زیرا اقدامات عملیاتی، اجرایی و یا سلبی به‌تنهایی منجر به حذف و یا کاهش آسیب‌های اجتماعی نمی‌شود و صداالبته در گام بعدی نیز هر آسیب را هرچند کوچک و کم‌اهمیت، به‌نوبه خود جدی محسوب کرده و برای درمان آن به‌دنبال راهکار باشیم زیرا مسائلی که شاید از منظر عمومی آسیب جدی به‌شمار نمی‌روند، این توانشان را دارند تا چنان در بافت جامعه اثر بگذارند که پس از یک دوره زمانی کوتاه با تغییرات منفی، خود باعث هدر رفتن سرمایه و نیروهای ثمربخش جامعه در گستره و ابعاد عظیم شوند.

اعتیاد و پاسخ به چند سؤال ساده...

و اما در مجموع همه آسیب‌های اجتماعی قطعاً، اعتیاد به مواد مخدر، به‌عنوان یکی از مسائل بسیار پیچیده اجتماعی زمینه‌ساز بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی محسوب می‌شود، گو اینکه در این میان کشور ما نیز به‌عنوان پرچمدار خط مقدم مبارزه با این بلای خانمان‌سوز نیز هزینه‌کرده‌های مالی و جانی فراوانی را متحمل شده با این حال اما همچنان اعتیاد در حال درنوردیدن جامعه است و هر روز هم زندگی‌های بسیاری را به خاکستر تبدیل و بنیان خانواده‌های زیادی را برمی‌اندازد.

حالا البته هرچند از منظر برخی صاحب‌نظران علوم رفتاری اعتیاد یک پدیده چندبعدی است و ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، فرهنگی متعددی در بروز و شیوع آن دخالت دارد اما در منظر دیگر نباید غافل بود که شیوع روزافزون مواد مخدر در جامعه جدای از موضوعات پیش گفته اما به‌نوعی به هم مقیاس و معیار بسیار خوبی برای سنجش عملکرد واقعی دستگاه‌های مسئول در این عرصه محسوب می‌شود.

اینکه وقتی با وجود سال‌ها هزینه‌کرد و ساختارسازی برای ممانعت و کاهش اعتیاد، نه‌تنها شاهد حذف آن نبوده‌ایم بلکه گسترش آن در طیف‌های مختلف اجتماع، کاهش سن مصرف، افزایش مواد نوظهور گرایش زنان و دختران به مصرف، تهیه آسان مواد و… افزایش یافته‌ایم، آیا وقت آن نرسیده که در مقابل این وضعیت مسئولان از خود پرسند که چه کرده‌اند و اقداماتشان از چه کیفیتی برخوردار بوده و یا با توجه به همسای مقیاس و ارزان به مواد و در امر کاهش عرضه، آیا سیاست‌های مقابله‌ای، سیاست درستی بوده است؟

آیا سیاست‌های کاهش عرضه با کاهش تقاضا همسو و همراه است؟ آیا مبتنی بر رویکردهای علمی است؟ آیا همه زوایای آن را بررسی و مطالعه کرده‌اند؟

آیا وقت آن نرسیده که متولیان، مدیران، مسئولان و صاحب‌منصبان به این بارور برسند که کاهش سن و افزایش نرخ شیوع اعتیاد در بین اقشار مختلف جامعه ازجمله نوجوانان، زنان و

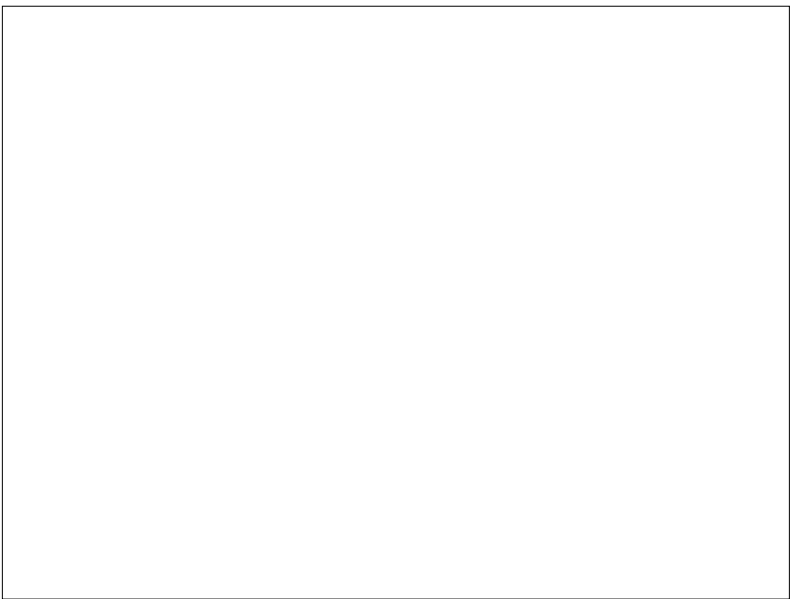
است.

کاهش سن اعتیاد به ۱۸ سال به این معنی است که برخی نوجوانان دبیرستانی –حداقل در سال‌های پایانی تحصیل– درگیر پدیده شوم اعتیاد شده و زنگ خطری بزرگ را به صدا درآورده‌اند. الف – پیامدهای کاهش سن اعتیاد کاهش سن اعتیاد به ۱۸ سال به این معنی است که برخی نوجوانان دبیرستانی –حداقل در سال‌های پایانی تحصیل– درگیر پدیده شوم اعتیاد شده و زنگ خطری بزرگ را به صدا درآورده‌اند زیرا درگیری یک فرد به اعتیاد، گاه حتی تا پایان عمر، خود و خانواده‌هاش را مشغول کرده، هزینه‌ها و پیامدهای سنگین اقتصادی و روانی می‌آفریند و از آن‌سو، بار بزرگی را بر دوش جامعه می‌گذارد.

وقتی از آلودگی فرد به مواد مخدر از سن پایین صحبت می‌کنیم، در واقع همه فرصت‌های شغلی، اجتماعی، ازدواج، فرزندآوری، تولید علمی–صنعتی و نشاط اجتماعی و فردی او را باید تباه‌شده دانست؛ مگر آنکه به سرعت و با روشی علمی و جامع، به صورتی بلندمدت و مؤثر درمان شود و نجات یابد.

هرچه سن اعتیاد پایین‌تر باشد، به منزله ماندگارشدن بیشتر مدت زمان مصرف و بیشترشدن پیامدهای مخرب آن است؛ به‌ویژه که ترک و درمان اعتیاد فرآیندی بسیار پیچیده، زمان‌بر و مستلزم مراقبت‌های چندوجهی از سوی فرد، خانواده و نزدیکان و نهادهای حمایتی اجتماعی است. واضح است که وقتی فردی از ابتدای دوران جوانی گرفتار این معضل می‌شود، اگر به سرعت اقدام به درمان و ترک نکنند، احتمال زیاد تا سال‌های متوالی گرفتار آن خواهد بود و به نسبت سال‌های اعتیاد، هزینه‌های آن افزون و فرصت‌های از دست رفته نیز بیشتر خواهد شد.

اجتماعی



به‌خصوص دختران نشانگر این واقعیت است که برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن با وجود هزینه‌های هنگفت سالانه، آن‌چنان که باید کارساز نبوده است؟

آیا وقت آن نرسیده تا مسئولان بپذیرند که طی این سال‌ها موضوع پیشگیری به‌عنوان اولویت مقابله با بحران مصرف مواد مخدر و اعتیاد یا آن‌گونه که شعارش مطرح می‌شود در عمل جدی گرفته نشده است؟

آیا نباید بپذیرند که بسیاری از مجازات‌های موجود (چه فروش و چه مصرف) از بازدارندگی برخوردار نبوده و قوانین این حوزه دارای نقایص اساسی است که باید رفع شود تا نتیجه ملموس داشته باشد؟

آیا کسی می‌تواند بگوید چرا با وجود همه اخبار موجود مبنی بر برخورد و مبارزه، هر روز شاهد ورود محصولات جدید افیونی در مقادیر بالا به کشور و در میان مردم هستیم؟ چرا با وجود جرم‌انگاری صریح و آشکار قانون برای خرید و فروش و مصرف مواد اما شاهد ایجاد و فعالیت پاتوق‌ها و محل‌های فروش آشکار و علنی مواد مخدر هستیم؟

آیا نباید از مسئولان پرسید که چرا تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد از معتادان درمان‌شده روند بهبود خود را طی می‌کنند و بقیه بار دیگر به مصرف مواد روی می‌آورند و یا اینکه چرا با این همه کار که در حوزه فرهنگی و پیشگیری از اعتیاد کشور انجام می‌گیرد، هنوز به موفقیتی که مدنظر است دست نیافته‌اند؟ و سؤالاتی از این دست که باید برای آن

پاسخ گشت. البته هدف از این سؤالات این نیست که با انداختن توپ مشکلات به زمین مسئولان از سهم خود معتادان در بروز این مسئله غافل شویم بلکه داستان این است که ما می‌خواهیم بدانیم چرا مسئولان با وجود اطلاع از وضعیت موجود، کم‌اکان در حال غفلت و کوتاهی در قبال موضوعی هستند که تمامی تار و پود جامعه را به چالش کشیده و هر روز نیز در حال تعمیق و گسترش است.

موضوع این است که ما می‌خواهیم بدانیم به‌رغم همه ادعاهای عنوان‌شده در خصوص

واکاوی معضل اعتیاد در ایران

سن اعتیاد در مسیر نزولی؛ چه باید کرد؟

در نظر داشته باشیم با روش‌های معمول ترک اعتیاد در کشور، امار بازگشت به اعتیاد در خوشبینانه‌ترین حالت فقط ۲۰ درصد است که ادعای «پرویز افشار» سخنگوی وقت ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۷ است اما مشاهدات و تجارب بسیاری از افراد نشان می‌دهد این رقم خوش‌بینانه است. بنابراین با اقدامات، روش‌ها و امکانات کنونی جامعه، ۸۰ درصد افرادی که از سنین پایین (ازجمله ۱۸ سالگی) شروع به مصرف مواد می‌کنند، نمی‌توانند آن را ترک کنند.

البته باید توجه داشت که این نگاه، به معنای نفی ارزش و اهمیت همه روش‌های موجود ترک اعتیاد و زحمت‌های مراکز بازپروری نیست؛ بلکه منظور این است که برای درک علت بازگشت بیشتر معتادان به مصرف دوباره، وقت آن رسیده است که از تجربه‌های علمی دنیا و متخصصان توانمند داخلی استفاده کنیم؛ پیش از آنکه سن اعتیاد به زیر ۱۸ و ابتدای دوره دبیرستان برسد. با روش‌های معمول ترک اعتیاد در کشور، امار بازگشت به اعتیاد در خوشبینانه‌ترین حالت فقط ۲۰ درصد است. بـ اعتیاد؛ از جرم‌انگاری تا بیماری پنداری

آن‌ها که پدیده‌های اجتماعی به‌ویژه از نوع آسیب‌زای آن– همچون اعتیاد – را دنبال می‌کنند، به‌خوبی به یاد دارند که تا همین دو سه دهه پیش، در جامعه ما، اعتیاد به‌عنوان جرم و بزه تلقی می‌شد و معتاد، مجرمی خطرناک بود.

مرور سخنان مسئولان دهه ۶۰ و حتی بازبینی فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی آن زمان، به خوبی نشانگر بزه دانستن اعتیاد (معتاد و قاچاقچی هر دو باهم) بود و چه تبلیغات و هزینه‌های برای بازداري مردم از آلودگی به این «جرم» که انجام نشد!

اگرچه طبق قوانین بیشتر کشورهای جهان و

خطرات اعتیاد برای سلامت و امنیت جامعه آیا واقعاً اراده و عزمی جدی برای حل این معضل در میان مسئولان ما وجود دارد یا نه؟ اگر دارد پس چرا نتیجه نداده و اگر نیست بر کدام مینا و طی این چند ۱۰ سال با مشتی حرف باد هوا، وعده، شعار و بیانیه جامعه را غلاف و آویزان خود کرده‌اند؟

اساساً چیزی که باعث شد تا در این سال‌ها جز دست و پا زدن در یک گرداب بی‌ارادگی و دویدن در یک دور باطل کاغذبازی چیزی عاید ما نشود موضوعاتی چون؛

–فقدان دیدگاه یکسان و نظریه واحد اجتماعی بین مسئولان در امر مبارزه و برخورد –علمی نبودن اجرای برنامه پیشگیری از اعتیاد و متعاقباً برخورد با معتادان متجاهر

–فقدان برنامه مدون، منسجم و هدفمند در زمینه حذف پاتوق‌های مصرف و مناطق فروش –اجرای سلیقه‌ای برنامه‌ها به‌صورت موردی بدون توجه به سهم افراد حاضر در فرایند اعتیاد (فروشنده و مصرف‌کننده) به‌ویژه در خصوص فروشنندگان مواد مخدر

– عدم بازدارندگی و تأثیر مجازات‌ها نامناسب بودن برنامه‌های نظام پایش و ارزشیابی برنامه‌های پیشگیرانه

–شعاری بودن حرکت‌ها و برخوردها و ضعف در برنامه‌ریزی –فقدان و یا پایین بودن دانش اعتیاد مدیران –بی‌توجهی به امر پاک‌سازی و ایمن‌سازی مناطق آسیب‌خیز و پرخطر در حاشیه شهرها –دخالت و اعمال نفوذ در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و حضور نهادهای غیر تخصصی و غیر علمی و نامعتبر در این عرصه و… بود.

آقای مسئول به خودت بیا…!

حالا اما آقایان مدیر و مسئول، تصمیم‌گیران و کارشناسان و خبرگان خوششان بیاید یا نه، انکار کنند یا تکذیب اما از صدقه‌سری این سبک مدیریتی کاملاً خثی و بی‌تفاوت نسبت به اعتیاد و مواد مخدر، اکنون شهر همدان در حال تبدیل شدن به یکی از امن‌ترین و آزادترین شهرها برای معتادان و موادفروشان است.

البته دراین بین هم نمی‌توان به خرده‌فروش و مصرف‌کننده ایرادی گرفت چون نفس کارشان همان است که می‌کنند یعنی حداقل بین حرف و عملشان یک انطباق هست اما مشکل و مسئله ما مسئول و مدیری است که بین شعار، حرف و عملش فرسنگ‌ها فاصله دارد.
اخطار می‌دهد اما اخطارش به‌مثابه تیر هوایی و مشتقی کاملاً بی‌خطر است، خط و نشان می‌کشد اما در نهایت انقدر این خط کم‌رنگ است که به چشم هیچ‌کس نمی‌آید، وعده می‌دهد اما مثل طبل توخالی است و خلاصه اینکه این سبک مدیریتی چنان با صلابت و مقتدرانه عمل می‌کنند که حتی معتادان خمار و بی‌حال هم برایش تره خورد نمی‌کنند.

و صداالبته دلیل این امر را هم باید در بی‌ایق و قشلاق جماعت خرده‌فروش و مصرف‌کننده از این سوی شهر به آن‌سوی تجمع‌های آرام و سرخوش چند ۱۰ نفری زنان و مردان برای مصرف و صف‌های شبانه مقابل برخی خانه‌ها برای خرید مواد و استنشاق بوهای رنگی از جمع‌های دخترانه و پسرانه جوانان در میان پارک‌ها و قلیانسراها و… می‌توان به‌وضوح دید و حس کرد.

جماعتی که بی‌ترس و واهمه در حال خرید، فروش و مصرف هستند درحالی‌که می‌دانند حتی اگر از سر اتفاق کسی به آن‌ها گیر داده و دستگیرشان کند در کمتر از چند ساعت با دادن چند ۱۰ هزار تومان جریمه ناقابل آزاد می‌شوند، خوب حالا کسی هست بفرماید مقصر بروز این ملغمه آشفته کیست؟

شاید نه کسی جز مردم و موادفروشان و معتادان زیرا طبق معمول حضرات آقایان مسئول که در این سال‌ها با تمام توان سعی درکنترل، مهار و برخورد با موضوع داشته و با راهبردهای حکیمانه کارشناسی شده و پشتکار شبانه‌روزی خود سعی در براندازی این بلای خانمان‌سوز داشته‌اند.

حالا تقصیر مسئول بیچاره چیست اگر موادفروشان به تهدید و خط و نشان کشیدن‌های وی واقعی نبوده و یا جسارت تمام در سطح شهر و مراکز شناخته‌شده و به‌نام، ۲۴ ساعته مواد می‌فروشد؟

تقصیر مسئول چیست که با وجود توصیه به ایمن‌سازی شهر اما در گوشه گوشه شهر می‌توان معتادان متجاهر و گله‌های اعتیاد را دید که با خیال راحت و در ملأ عام مشغول تزریق هستند؟ تقصیر مسئول چیست که با وجود دستورات ۲۴ ساعته، مبنی بر ایجاد توسعه فضای سبز ورزشی اما به دلیل فقدان مراکز تفریحی و ورزشی مناسب، کودکان و نوجوانان باید در مناطق جرم‌خیز و مجاور اماکن فعالیت موادفروشان بازی و تفریح و یا گذران اوقات فراغت کنند؟

موضوع این است که اصلاً این‌ها وظیفه مسئولان ما نیست بلکه کار اصلی‌شان فقط این است که در همایش‌ها حضور یافته، شعار داده و سخنرانی کنند، محکوم کنند، تأیید کنند، شعار زنده‌باد، مرده‌باد بدهد و سر آخر با تکان دادن دروغ‌های و بی‌خبرانه‌ها حل مشکلات خوشان باشند. حالا سؤال این است که در صورت بروز هر مسئله آن‌وقت شما طرف چه کسی را خواهی گرفت؟ معتاد و موادفروش را یا مردمی که متأثر از سوء مدیریت شخص شما و دوستانتان دیگر کارد به استخوانشان رسیده است؟



وقتی معضل اعتیاد وموادفروشی آزمون قانون شناسی مدیران می شود

و مادران خود باشند و سهم فرد و خانواده‌ها در بروز اعتیاد بیشتر از شرایط محیطی است حتی اگر محیط ۱۰۰ درصد برای بروز و ارتکاب بزه مناسب و مهیا باشد.



آقایان مسئول لطفاً تکلیف خودتان را با

مردم و مشکلاتشان روشن کنید

حالا هرچند که مسئولان ما عموماً عادت دارند تا در قبال مطالبات، مشکلات و دادخواهی‌های مردم توپ را به زمین معنادان و قضاتی بوده و به‌ناچار جهانی و صهیونیسم گرفته تا تب و حباب و خود مردم کف کوچ‌ه و خیابان را مقصر جلوه دهند اما واقع امر این است که در برخی موضوعات که دارای بازی قانونی و قضاتی بوده و به‌ناچار باید از طریق قوای قهریه به مشکلات غلبه کرد، این مسئولان هستند که باید آستین همت را بالا زده و نه برای رضای خدا و مردم بلکه حفظ میز و صندلی خود هم که شده پای کار بیایند.

و اینکه این امر به‌صورت خاص در مورد وضعیت اعتیاد و فروش مواد مخدر در شهر همدان دارای اهمیت ویژه است. قطعاً هیچ‌کس انتظار ندارد که مردم به جنگ معتادان و خرده‌فروشان رفته و آن‌ها را از محلات و خانه‌هایشان بیرون بریزند (که البته هیچ دور از تصور هم نیست که اگر روزی کاربد به استخوان برسد چنین خواهد شد) اما گمان این می‌رود که اگر ما تابع قانون هستیم قانون برای تأمین امنیت مردم تعریف شده و باید ملزوم به رفع آسیب‌ها باشد، پس لاجرم اینجا نیز باید قانون و مردان قانون وارد عمل شده و تکلیف مردم را با افراد ناهنجار مشخص کنند.

در واقع حرف دل بسیاری از مردم این است که داشتن شهری ایمن و سالم برای خود و فرزندانشان یک حق مسلم و غُقلایی است پس بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید که از در بی‌تفاوتی و حتی تعارض با این خواسته برآید الا به اینکه در حفظ همان آسیب منفاهی را کسب کرده باشد که فعلاً ما براین باوریم که اینگونه نیست.

بنابراین از شما مسئول، مدیر، رئیس، فرمانده، دادستان، وزیر، نماینده و وکیل محترم که سکندار مدیریت شهری همدان هستید تقاضا داریم بر اساس نص صریح قانون و مبتنی بر منشور حقوق اجتماعی صدها هزار نفر سکنه این شهر یک بار برای همیشه تکلیف خود را نه با مردم و قانون بلکه با خودتان مشخص کنید و به‌وضوح بگویید نهایتاً در کدام جبهه قرار دارید؛ با مردم یا علیه مردم؟

اینکه اگر با مردم هستید چرا در قبال برخورد و حذف این آسیب آشکار کاری نکرده و نمی‌کنید؟ اگر خدای نکرده در صف هنجارشکنان و آسیب‌سازان قرار دارید چرا در سخنان خود دم از مردم، قانون روزی برسد که علناً و آشکارا گفته شود که مردم از عملکرد شما در برخورد با این بلیه قطع امید کرده و بی‌خیال شده‌اند و در نظر دارند که با هر شکل ممکن خودشان به‌دنبال حل مشکلات خوشان باشند. حالا سؤال این است که در صورت بروز هر مسئله آن‌وقت شما طرف چه کسی را خواهی گرفت؟ معتاد و موادفروش را یا مردمی که متأثر از سوء مدیریت شخص شما و دوستانتان دیگر کارد به استخوانشان رسیده است؟

